

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نظام تحصیل تمدنی

از منظر امام خامنه‌ای مدظله العالی

بخش اول

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

Nomov.ir

ویراست اول - بهمن ۱۳۹۸

فهرست

۳ مبانی نظری
۳ لقاء الله، هدف از آفرینش انسان
۳ نگاه اسلام به انسان
۴ رسالت انبیا، اقامه توحید و ایجاد تمدن توحیدی است
۴ علما، جانشینان انبیا در اقامه توحید هستند
۵ وظایف حوزه علمیه
۵ نقش منحصر به فرد حوزه علمیه در ایجاد تمدن اسلامی
۶ حوزه علمیه، کارخانه تأمین کننده نیازهای انقلاب
۷ عرصه‌های تربیت جامع طلبه
۷ تزکیه
۸ علم
۸ بصیرت
۹ تلاش انقلابی و مهارت
۱۰ جامعیت در ابعاد چهارگانه
۱۱ نقشه راه حوزه علمیه
۱۱ ویژگی های نظام درسی حوزه
۱۱ برنامه تربیت طلاب بر اساس اهداف
۱۲ دو مسیر تربیت مجتهد و مبلغ
۱۳ تحصیل برای اجتهاد
۱۳ مراد از اجتهاد
۱۳ اهمیت اجتهاد
۱۴ تحصیل برای تبلیغ
۱۴ مراد از تبلیغ
۱۴ اهمیت تبلیغ
۱۴ انواع مبلغین
۱۵ نتیجه

مبانی نظری

لقاء الله، هدف از آفرینش انسان

«بحث لقاء الله و ملاقات با خداست. هدف آفرینش بشر و هدف «انک کادح الی ربک کدحاً» - همه این تلاشها و زحمتهها - همین است که «فملاقیه» ملاقات کند.» ۱۳۷۴/۳/۳

«در بینش اسلامی، حرکت و سیوروت انسان و بقیه موجودات آفرینش، به سمت پروردگار است... همه آفرینش، مثل کاروانی است که به طرف یک مقصد حرکت میکند و آن مقصد، خداست. سعادت هر انسانی، این است که این مقصد را بشناسد و رفتار اختیاری خود را با آن تطبیق کند. بدبختی و روسیاهی هر انسان، در این است که این مقصد را نشناسد و رفتار فردی و احساسات و عملکرد او، در جهت این حرکت عمومی و یکسان و جهان‌شمول قرار نگیرد، که ضربه‌اش را هم خواهد خورد.» ۱۳۷۵/۷/۱۸

نگاه اسلام به انسان

«در اسلام نگاه به انسان از دو زاویه است که این دو زاویه، هر دو مکمل همدیگر هستند. یکی نگاه به فرد انسان است و یک نگاه دیگر به انسان، به عنوان یک کل و یک مجموعه انسانهاست. این دو نگاه با هم منسجمند؛ مکمل یکدیگرند. در نگاه اول انسان یک رهروی است که در راهی حرکت میکند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه». این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی... در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه‌ی دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه‌ی مدیریت دنیا. این مسئولیت بشر است؛ چون خلیفه است و یکی از لوازم خلیفه بودن انسان، این است. در این نگاه کلان، مخاطب کیست؟ مخاطب، همه افرادند. استقرار عدالت و روابط صحیح، خواسته شده است. از چه کسانی؟ از همه‌ی افراد. یکایک افراد جامعه‌ی بشری در همین نگاه کلان، مخاطبند؛ یعنی وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، ایجاد حکومت حق، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیای آباد، دنیای آزاد، بر عهده‌ی افراد انسان است. در این نگاه میبینید انسان همه‌کاره‌ی این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت خود و تعالی خود و تزکیه و تطهیر خود، هم مسئول ساختن دنیا. این نگاه اسلام است به انسان.» ۱۳۸۶/۲/۲۵

رسالت انبیا، اقامه توحید و ایجاد تمدن توحیدی است

«انبیا چه کاره بودند؟ [آیا] انبیا آمدند تا معارف دین را فقط بیان کنند یا نه، معارف دین را در جامعه محقق کنند؟ حتماً این دومی است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. این «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» نشان میدهد که حضور انبیا برای «قیام به قسط» لازم است، یعنی رابطه هست بین حرکت انبیا و «قیام به قسط» در جامعه؛ حالا این «لام» در «لِيَقُومَ» چه «لام» علیت باشد، چه «لام» عاقبت و نتیجه باشد، فرقی نمیکند؛ یعنی نبی باید اقامه‌ی قسط کند در جامعه و چون اقامه‌ی قسط میخواهد بکند، مبارزه میکند؛ و الا اگر نبی نمیخواست اقامه‌ی قسط بکند، توحید را نمیخواست عملی بکند، اندادالله را نمیخواست به کنار بزند، جهاد لازم نبود.» ۱۳۹۸/۲/۱۸

«بعثت انبیا برای ایجاد یک جامعه‌ی فاضله است؛ ... برای ایجاد یک تمدن است.» ۱۳۹۸/۱/۱۴

«راه خدا، راه تلاش در راه خدا، راه اقامه‌ی حق و عدل، راه رسیدن به تمدن اسلامی و نظام حقیقی اسلامی و جامعه‌ی اسلامی راه دشواری است؛ راهی است که پیغمبران در این راه با زحمت حرکت کردند و پیش رفتند.» ۱۳۹۸/۸/۱۸

علماء، جانشینان انبیا در اقامه توحید هستند

«حوزه‌های علمی مرکز آموزش اسلامند؛ بالاخره دین باید فهمیده بشود، شناخته بشود، دانسته بشود، عمق‌یابی بشود، [لذا] مرکز لازم دارد؛ این مرکز، حوزه‌های علمی‌اند که عالم دینی درست میکنند. حوزه‌های علمی، مرکز تعلیم اسلامند. اسلام فقط معرفت نیست، تعهد به عمل و تحقق احکام اسلام هم جزو اسلام است؛ یعنی یک وقت هست که ما اسلام را - که میخواهیم در حوزه یاد بگیریم - فقط عبارت میدانیم از اصول و فروع و اخلاق و همینهایی که هست - [که] واقعیت هم همین است؛ [یعنی] اصول دین، فروع دین، ارزشهای اخلاقی، سبک زندگی، آئین حکمرانی، اینها همه جزو اسلام و جزو معارف اسلامی است - خب اینها را باید برویم در حوزه‌ی علمی یاد بگیریم. لکن این [برداشت] درست نیست؛ این بخشی از کار حوزه‌های علمی است؛ چرا؟ چون این بخشی از اسلام است؛ بخش دیگر اسلام عبارت است از محقق کردن این حقایق در متن جامعه، در متن زندگی مردم، یعنی هدایت؛ این بخشی از اسلام است دیگر. اسلام فقط توحید به معنای علم توحید با همان عمق و معرفت عرفانی و فلسفی و [مانند] اینها نیست، بلکه اسلام عبارت است از استقرار توحید در جامعه؛ یعنی جامعه موحد بشود؛ این هم جزو اسلام است. مگر شما نمیگویید: الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ؟ علمای دین، ورثه‌ی انبیائند دیگر؛ اینجا مراد از علماء، علمای دین هستند و اینها ورثه‌ی انبیائند.» ۱۳۹۸/۲/۱۸

وظایف حوزه علمیه

نقش منحصر به فرد حوزه علمیه در ایجاد تمدن اسلامی

«خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است... برای ایجاد یک تمدن اسلامی-مانند هر تمدن دیگر- دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان.» ۱۳۷۹/۷/۱۴

«شرط دوم [برای تمدن سازی]، پرورش انسان است. حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. این نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این يك بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شك مدیران جامعه جزو نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، يك نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این که بتوانند درست نقش آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیطهای گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. برقی از سخن يك عالم دین پارسا و زمان شناس ممکن است بجهد، ظلماتی را از دلی یا دل‌هایی بزدايد؛ چقدر هدایتها به این ترتیب اتفاق افتاده است. این نقش، نقش یگانه است. نقش آفرینی را به علمای دین منحصر نمی‌کنیم؛ اما جایگاه نقش آفرینی علمای دین را از همه‌ی جایگاههای دیگر برجسته‌تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی برای انسانها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد.» ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

«حوزه‌ی علمیه، بخصوص حوزه‌ی علمیه‌ی قم مادر این نظام است؛ به وجود آورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است. یک مادر چگونه میتواند از زاده‌ی خود، از فرزند خود غافل بماند، نسبت به او بیتفاوت باشد، در هنگام لازم از او دفاع نکند؟ ممکن نیست.» ۱۳۸۹/۷/۲۹

حوزه علمیه، کارخانه تأمین کننده نیازهای انقلاب

«ما انواع روحانیون در سطوح گوناگون و با تخصص‌ها و تواناییهای مختلف نیاز داریم. استعدادها مختلف است. باید استعدادها شناخته شود، درسها خوانده شود، دوره‌ها از هم تفکیک شوند و فضایی جوان در حوزه به کار گرفته شوند؛ چون برکات زیادی از این گروه عاید خواهد شد. حوزه علمیه باید مثل یک کارخانه تأمین کننده نیازهای جامعه، مرتب کار کند و محصول خود را که همان محققان و مبلغان و مدرّسان و مؤلفان و انواع قشرهای روحانی هستند، بیرون دهد. حوزه باید برنامه ریزی کند و مشخص باشد که مثلاً پنج سال دیگر چه تعداد مبلغ مناسب برای مناطق گوناگون دنیا و داخل کشور تربیت می‌شود. همچنین در زمینه مسائل قرآنی و تفسیر و دیگر علوم حوزوی و نیز تربیت مدرّس برای دانشگاهها و دروس معارف اسلامی و نیز تربیت محقق و مؤلف برای پاسخگویی و مقابله با شبهات، برنامه ریزی منظم و مرتبی داشته باشد.» ۱۳۷۴/۶/۱۴

«بزرگانی که در رأس شورای عالی حوزه علمیه هستند، باید به صحنه دنیا و داخل کشور نگاه کنند و ببینند چه نیازهایی وجود دارد و چگونه میتوان این نیازها را تأمین و افرادی که رفع این نیازها را میکنند، تربیت کرد. اگر ما کتاب لازم داریم، پس مؤلف میخواهد. یک مؤلف خوب چگونه تربیت میشود؟ باید روش تربیتش در برنامه‌های حوزه گنجانده شود. اگر ما مبلغان مسلط میخواهیم - البته نه به میزان پنج تا و ده تا و صد تا، بلکه هزارها مبلغ - تا بتوانند در هر نقطه دنیا این کارها را انجام دهند؛ تربیت آنها چه شرایطی دارد؟ این شرایط در یک انسان چگونه و با چه عواملی تأمین میشود؟ آن موارد در برنامه‌ریزیها منظور شود. باید بررسی شود که تدریس چه دروسی زیادی است و لازم نیست، تا حذف شود. دوره‌ها باید طوری باشد که اگر کسی توانست بخشی از چند دوره را طی کند، همان مقداری را که طی کرده است، برای او مفید باشد. این که ما خیال کنیم حتماً بایستی یک نفر بیست سال و یا بیست و پنج سال در حوزه علمیه سر کند؛ این گونه نیست. بعضی از نیازها با ماندن چهار سال در حوزه تأمین میشود. بعضی از نیازها با ماندن ده سال تأمین میشود. برخی دیگر با ماندن پانزده سال و بعضی هم ممکن است با ماندن بیست سال در حوزه تأمین شود. چرا آن کسی را که با چهار یا پنج سال تحصیل در حوزه میتواند بخشی از نیازهای ما را برطرف کند، بی‌جهت ده سال در حوزه نگه داریم؟ باید برنامه ریزی کنیم و کسانی را به این حد برسانیم. امتیازاتی را قائل شویم و هر کس هم مشخص باشد که چه نیازی را میتواند تأمین کند.» ۱۳۷۴/۶/۱۴

عرصه‌های تربیت جامع طلبه

تزکیه

«اگر یک فهرستی از مسئولیتهای ما - عمامه به سرها و مسئولین روحانی - ... تهیه شود، سرلوحهٔ این فهرست، عبارت است از خودسازی» کتاب حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، ص ۳۴۱

«امروز خوشبختانه درسهای اخلاق در حوزه هست؛ اما عزیزان من! درس اخلاق، همه‌ی وظیفه‌ی ما در باب تخلُّق به اخلاق حسنه را ایفا نمیکند. هر کسی خودش باید با دل خود، با رفتار خود، به طور دائم مشغول تهذیب و مشغول کشتی گرفتن با بدیها و زشتیهای وجود خودش باشد.» ۱۳۷۹/۷/۱۴

«من امروز مخصوصاً سه روایت خواندم، برای این که بر اهتمام به تهذیب اخلاق در حوزه‌های علمیه تأکید کنم. آقایان! اگر کسی علم پیدا کند، مجتهد شود، به مقامات بالا برود، اما حاضر نباشد حق را بپذیرد؛ هوای نفس بر او غالب باشد و خواستها و تمایلات شخصی، واضحات را از او مخفی کند، چنین کسی به عالم اسلام نه تنها هیچ مفید نیست، بلکه مضرّ و گاهی اضرّ از جهّال است.... اگر چنین کسانی را دیدیم، باید بیشتر به نقش تهذیب اهمیت دهیم. اگر دیدیم درحوزه‌های علمیه، شور علمی هست، اما این شور علمی و کار علمی، خلأهای نظام را چنان که باید، پر نمیکند، باز باید به مسأله تهذیب توجه کنیم. برای این که اگر اخلاق و تهذیب نفس در حوزه‌ها باشد و صفای نفس ناشی از آن پیدا شود، هر کلمه‌ای که خوانده شود، باید به نفع مردم و جامعه باشد. بنده می‌خواهم بر مسأله تهذیب، تأکید کنم.» ۱۳۷۳/۶/۲۰

«در بخش تهذیب، من حرف دارم. در بخش تهذیب، کارهایی که به من گزارش شده، کارهای تهذیبی نیست. مثلاً فرض کنید برگزاری اردوهای فلان - که حالا اسامی آنها یادم نیست، اما توی گزارشها بود - ربطی به تهذیب ندارد... البته حفظ قرآن و حدیث هم خوب است، اما انصافاً بحث تهذیب، اینها نیست؛ تهذیب يك فکر دیگری میخواهد. باید فکر کرد، مطالعه کرد؛ و الا خیلی هستند قاری قرآنند، اما مهذب هم نیستند. بایستی راههای تهذیب را پیدا کرد. درس اخلاق مهم است... به نظر من باید معاونت تهذیب را وادار کنید فکر دیگری بکنند... راهش اینهاست؛ یعنی وصل کردن طلبه به این منابع اخلاقی و معرفتی و اهل حال و اهل ذکر و اهل خشوع؛ و الا درس حرفه ای اخلاق هیچ فایده ای ندارد. گفتن اخلاق، اصلاً درس نیست؛ اخلاق يك صیروت است. باید استاد کاری کند که شاگرد صیروت اخلاقی پیدا کند. به نظر من این جزو کارهای لازم است؛ اینجوری باید طلبه ها را به مسئله ی اخلاق کشاند.»

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۹

علم

«جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که خیلی جمله‌ی پرمغزی است. میفرماید: «العلم سلطان»؛ علم اقتدار است. «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت. «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجد صیل علیه»؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد، میتواند تحکم کند؛ میتواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که این اقتدار را به دست نیاورد، «صیل علیه»؛ بر او غلبه پیدا خواهد شد. «۱۳۸۶/۶/۱۲»

«درس خواندن را جدی بگیرید عزیزان! نگوئید چون این برنامه فلان عیب را دارد، پس برنامه هیچ؛ نه. تا برنامه تغییر نکرده است، همین برنامه‌ای که وجود دارد، باید با جدیت دنبال شود. باید درس بخوانید... درس بسیار جدی است؛ درس بسیار مهم است؛ علم و سواد پایه‌ی اصلی است؛ بدون آن هیچ نقشی نمی‌توانید ایفا کنید، یا درست نمی‌توانید ایفا کنید. نقش آفرینی غلط، از نقش آفرین نبودن به مراتب خسارت بارتر است.» «۱۳۷۹/۷/۱۴»

«اولاً درس خواندن را دست کم نگیرید... من مشهد درس رسائل و مکاسب می‌گفتم، هر چند وقت یک‌بار هم ما را می‌گرفتند، زندان می‌بردند، شاگردهای ما متفرق میشدند؛ بعد که از زندان می‌آمدیم، درس را شروع می‌کردیم، باز جمع میشدند می‌آمدند؛ شوق مبارزه و ملاحظه‌ی حال بنده - آن کتک‌خوری ویژه‌ای که ما آن روز از دستگاه داشتیم - گاهی آنها را نسبت به این درسی که ما به آنها میدادیم، دچار تردید میکرد؛ حالا جزئیات فرمایش شیخ در مکاسب یا مثلاً کفایه که مراد از عبارت این است [را وقتی می‌گفتم]، من میدیدم دچار تردیدند؛ همیشه من به اینها می‌گفتم: بچه‌های عزیز من! بدانید اگر درس نخوانید نمیتوانید تأثیرگذار خوبی باشید؛ به اینها می‌گفتم بی‌مایه فطیر است، باید درس بخوانید. اگر میخواهید افکارتان، پیشنهادهایتان، خصوصیات برجسته‌ای که روحیه‌ی شما بحمدالله از آن برخوردار است، در جامعه تأثیر بگذارد، باید باسواد باشید، باید درس بخوانید، باید ملاً باشید.» «۱۳۹۶/۶/۶»

بصیرت

«سوم از واجبات حوزه علمیه این است که مدیران محترم حوزه و بزرگان و اعلام حوزه باید طلاب را از لحاظ فکری و سیاسی مصونیت بدهند. طلاب را از لحاظ فکر اسلامی و ظرافتهایی که در برخورد با امواج گوناگون فکری وجود دارد، باید مصونیت ببخشند. باید طوری بشود که هر طلبه‌ای احساس کند در مقابل هر منطقی که برای او پیش می‌آید - ولو برایش از قبل ناآشنا باشد - این مایه را دارد که بتواند مواجهه و مقابله کند. همچنین در زمینه‌های سیاسی باید قدرت تحلیل سیاسی به طلاب داده شود. این

مجموعه‌ی عظیم جوان در این حوزه‌ی علمیه، مجموعه‌ای است که میتواند و باید بتواند حوادث سیاسی را جزء به جزء تحلیل کند؛ معنای هر حرکتی را که صفوف مختلف و جناحهای مختلف در داخل و خارج میکنند، بفهمد تا بتواند آن خط مستقیم و صراط الهی را در این بین همواره در مقابل چشم داشته باشد و فریب نخورد... بنابراین شما ناچارید. باید به طلاب، آگاهیهای سیاسی و قدرت فهم و تحلیل سیاسی بدهند. طلبه باید بداند که تحرکات دشمن در قبال شوکتی که امروز اسلام پیدا کرده است، چیست و چگونه است؛ بداند تحرکات دشمن در مقابل خودِ حوزه‌ی علمیه چیست و چگونه است.» ۱۳۷۹/۷/۱۴

«حوزه‌های علمیه بایستی از سیاست هرگز دور نمانند. طلاب باید آگاهی سیاسی پیدا کنند... طلاب باید در فضای سیاسی حضور داشته باشند؛ بلکه جلوتر از زمان باشند و فکر سیاسی روشن داشته باشند؛ کمالین که علمایی که فکر سیاسی روشن داشتند، مفید بودند.» ۱۳۷۰/۶/۳۱

تلاش انقلابی و مهارت

«طلاب عزیز و فضایی جوان، نباید حتی برای یک لحظه، حضور در میدان‌های گوناگون را فراموش کنند. این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است. همان طور که امام بزرگوار در پیام فراموش نشدنی خود فرمودند، فضلا و جوان‌هایی که تفقه را در میدان‌های خودش فرا گرفتند و مُنذر قوم خود شدند و میدان جنگ را میدان آزمایش نفس و تکامل معنوی خویش قرار دادند و پیش رفتند، این میدان‌ها را رها نکنند. امروز هم خطوط و میدان‌ها و صحنه‌های نظامی و غیرنظامی و فرهنگی، محتاج حضور فعال شماست. مدرّسان معظم و محترم و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم و سایر حوزه‌ها، طلاب را به سمت هدف‌های انقلابی و اسلامی سوق بدهند.» ۱۳۶۸/۱۲/۲

«یکی از کارهای دیگر ما که مهم است، کسب مهارتهای دینی است. ما باید در رشته و حرفه‌ی خودمان مهارت پیدا کنیم... عزیزان من! امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوریهای جدید ارتباطی خیلی جدی است؛ صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه‌های تلویزیونی و رادیویی و رایانه‌ای و امثال این‌ها دارند استفاده می‌کنند و همین‌طور به صورت انبوه، افکار و شبهه‌های گوناگون را در آن‌ها می‌ریزند. باید در مقابل این‌ها ایستاد. امروز نمی‌شود به همان روشهای قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید؛ فکر او را باید بشناسید؛ آنچه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی‌توان کرد. این‌ها همه ملایی می‌خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کار کردن، که همه‌ی این‌ها زیر عنوان مهارتهای دینی خلاصه می‌شود.» ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

«اگر روحانیون، به آینده به چشم یک میدان کار ننگرند و برای آن برنامه‌ریزی نکنند و آفات مسیر را از سر راه برندارند، دنبال این غفلت، ضربه است. در این هیچ شکی نیست. اگر روحانیون، آینده را با چشم باز و بصیر نگاه کنند و خود را برای ادامه‌ی حمل این بار آماده نمایند و وظایفشان را پیش‌بینی و خودشان را آماده‌ی عمل به آن بکنند، اسلام در سطح جهان روزبه‌روز قوت خواهد گرفت.» ۱۳۶۸/۱۲/۲

جامعیت در ابعاد چهارگانه

تزکیه، علمیت، بصیرت و مهارت

«پس، شد علم و تقوا و آگاهی سیاسی و اجتماعی؛ که این آگاهی، سلاحی است که در اختیار شما قرار دارد. با این سه خصوصیت، باید سربازان خط مقدم هم باشید. بله، اگر طلبه‌یی با این خصوصیات، واقعاً سرباز خط مقدم انقلاب و اسلام بود، ارزشش خیلی بالا می‌رود و خیلی شیوایی پیدا می‌کند.» ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

«درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند.» ۱۳۹۸/۹/۲۴

نقشه راه حوزه علمیه

ویژگی های نظام درسی حوزه

«از جمله چیزهایی که حوزه احتیاج دارد، یک نظام تعلیم و تعلم است، تا در آن، وقتها هدر نرود. امروز دیگر روزی نیست که ما اجازه بدهیم، یک روز یا یک ساعت از عمر جوانی متدین و آماده برای تلاش و مجاهدت در راه دین - یعنی یک طلبه - هدر رود... حوزه باید وقت او را به بهترین شکلی پُر کند و از وقتش بهترین استفاده را ببرد و از او انسانی بسازد که میتواند امروز برای نظام اسلامی آبرو باشد و هدف توسعه و رواج و شناخته شدن اسلام را تأمین بکند... البته امروز کارهایی انجام گرفته است، امتحانهای نوبه‌یی هست، امتحانهای خوب هست، مدارس تخصصی هست، کلاسهای رشته‌های تخصصی اخیراً به وجود آمده و مقررات و ضوابطی گذاشته شده است؛ لیکن بایستی اینها به حد یک نظام درسی کامل، یا یک نظام کاری کامل، شامل درس و تحقیق و پژوهش و همان پنج مأموریت و مسؤولیتی که پارسال عرض کردم حوزه‌ها دارند، برسد.» ۱۳۶۹/۱۱/۴

«دوره‌ها باید طوری باشد که اگر کسی توانست بخشی از چند دوره را طی کند، همان مقداری را که طی کرده است، برای او مفید باشد. این که ما خیال کنیم حتماً بایستی یک نفر بیست سال و یا بیست و پنج سال در حوزه علمیه سر کند؛ این گونه نیست. بعضی از نیازها با ماندن چهار سال در حوزه تأمین میشود. بعضی از نیازها با ماندن ده سال تأمین میشود. برخی دیگر با ماندن پانزده سال و بعضی هم ممکن است با ماندن بیست سال در حوزه تأمین شود. چرا آن کسی را که با چهار یا پنج سال تحصیل در حوزه میتواند بخشی از نیازهای ما را برطرف کند، بی‌جهت ده سال در حوزه نگه داریم؟ باید برنامه ریزی کنیم و کسانی را به این حد برسانیم. امتیازاتی را قائل شویم و هر کس هم مشخص باشد که چه نیازی را میتواند تأمین کند.» ۱۳۷۴/۶/۱۴

برنامه تربیت طلاب بر اساس اهداف

«به نظر ما در حوزه‌های علمیه بایستی اهداف جداگانه‌ای را مورد توجه قرار داد.

☑ یک هدف، ساختن مجتهد فقیه، متخصص فنی، باید فقهای باشند و مجتهدینی باشند؛ این یک هدف، افرادی با استعدادهایی در حد خاص، و با شوق و علاقه بایستی بروند طرف اینجور درس خواندن و به سمت آن رفت.

☑ در کنار اینها کسانی باشند که قدرت استنباط پیدا کنند و بتوانند از منابع اسلامی معارف الهی را به دست بیاورند، اما نه به قصد إفتاء. نه به قصد این که در فقه یک انسان متبحر متخصص در فقه بشوند، نه!

به قصد این که بتوانند معارف اسلامی را که بحث‌های فراوان و کتاب‌های فراوان و مباحث لازم برای به خصوص جامعه‌ی امروز ما در آنها هست اینها را استخراج بکنند و در اختیار مردم بگذارند، در اختیار نظام بگذارند. و ما امروز چقدر احتیاج داریم به اینجور استنباطها. در حقیقت مجتهدین درجه‌ی دو که اینها اگر چه از لحاظ عمق فقهی و درسی درجه‌ی دو هستند اما ممکن است از لحاظ سعه‌ی نظر و مُتَحَنِّین بودن از آن دسته‌ی اول حتی قویتر و بالاتر و همه‌جانبه‌تر باشند.

☑ یک هدف دیگر، برای مبلغین، آن کسانی که می‌توانند اسلام را تبلیغ کنند، تبیین کنند برای مردم، درس بخوانند برای این که بشوند یک مبلغ، ممکن است مجتهد هم اصلاً نشوند. لازم هم نیست، قدرت اجتهاد و استنباط پیدا کند. تا حالا هم همینجور بوده، یعنی آنهایی که متخرجین حوزه‌ی علمیه بودند بعضی مجتهدین عالی‌مقام بالا شدند همه آنجور نشدند. بعضی مجتهدین درجه‌ی دو شدند که به کار همان رفع نیازهای آنچنانی می‌آمدند. بعضی‌ها هم مبلغین شدند اما بی‌برنامه اینکار انجام گرفته، لذا ریخت و پاش زیاد داشته است. هدر دادن امکانات و نیروها زیاد توی آن وجود داشته. از اول این را مشخص کنند، پایه‌ای را معلوم کنند همه، تا آن پایه برسند، بعد راهها منشعب بشود و عوض بشود.» ۱۳۶۴/۹/۲۶

دو مسیر تربیت مجتهد و مبلغ

«این [دو مسیر شدن] از حرف‌هایی است که ما از چند سال پیش گفتیم.

گفتیم: تا یک جایی، مسیر مشترک درست کنید. از جایی، دو مسیرش کنید؛ دو جهت و دو شِقْ بشود:

در یک مسیر، عده‌ای بروند طرف اجتهاد و تفقه و فلسفه یا بعضی از علوم دیگر (که حالا در حوزه، علوم اصلی حساب می‌شود). یک مسیری هم مسیری باشد برای تربیت علمای بلاد و پیشنهاد شدن و از این قبیل چیزهایی که

لازم است.» بیانات در دیدار اعضای جامعه مدرسین حوزه در آخرین روز از سفر قم؛ ۱۳۸۹/۸/۶

« این طور نباشد که طلاب خیال کنند: «حالا که ما روی فقاقت این قدر تکیه می‌کنیم، پس رشته‌ی تبلیغ هیچ.» نه. البته مرحله‌ای از بحث فقاقت، مثل علوم مادر و علوم پایه را باید همه بخوانند و استفاده کنند تا شایستگی این را پیدا کنند که حتی در رشته‌ی تبلیغ هم بتوانند کارایی داشته باشند. ولی بعد که منشعب به شعب مختلف می‌شود،

بعضی بایستی بروند در کار تبلیغ مشغول شوند.» ۱۳۷۱/۶/۲۹

تحصیل برای اجتهاد

مراد از اجتهاد

«در حوزه‌ها، اساس، فقاقت است. فقه باید پیشرفت بکند. فقاقت به معنای خاص خود مورد نظر ماست. فقه به معنای عام - که آگاهی از دین است - در این جا فعلاً مورد بحث ما نیست؛ فقه به معنای خاص، یعنی آگاهی از علم دین و فروع دینی و استنباط وظایف فردی و اجتماعی انسان از مجموعه‌ی متون دینی، که خیلی هم مهم است. انسان از قبل از ولادت تا بعد از ممات احوالی دارد، و این احوال شامل احوال فردی و زندگی شخصی اوست، و نیز شامل احوال اجتماعی و زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بقیه‌ی شئون اوست. تکلیف و سرنوشت همه‌ی اینها در فقه معلوم میشود. فقه به این معنا مورد نظر ماست، که اسمش همان احکام فرعی است؛ استنباط احکام فرعی از اصول. این، اساس حوزه‌هاست. البته وقتی می‌گوییم فقه، مراد ما همین چیزی است که گفتیم. وقتی می‌گوییم فقاقت، مراد ما آن متد کاری و شیوه‌ی کاری در حوزه‌هاست. این شیوه‌ی استنباط را به عنوان «فقاقت» اصطلاح می‌کنیم، که در کلمات فقها هم کم و بیش به همین معنا به کار میرود. روش فقاقت، یعنی همین روش رد فروع به اصول، و استنباط از اصول و مبانی استنباط - کتاب و سنت و عقل و اجماع - و کیفیت این استنباط و تقابل میان ادله و ترتیب و نوبت‌بندی ادله‌ی مختلف، که اول به چه مراجعه کنیم؛ فرضاً اول به ادله‌ی اجتهادی مراجعه می‌کنیم، به ظواهر مراجعه می‌کنیم؛ اگر ظواهر تعارض داشتند، چه کار بکنیم؟ اگر ظواهری نداشتیم، چه کار بکنیم؟ نوبت اصول عملیه کی میرسد؟ کدام اصل بر کدام اصل دیگر مقدم است؟ و از این قبیل. این شیوه‌ی که ما در علم اصول آن را می‌خوانیم، اسمش را «فقاقت» می‌گذاریم. پس، مبنا در حوزه‌های علمیه فقه است، به معنای آن علمی که گفته شد؛ و شیوه‌ی فقاقت است، به این معنایی که بیان شد.» ۱۳۷۰/۶/۳۱

اهمیت اجتهاد

«اجتهاد، یک متد و یک شکل و یک طریقه است؛ رفتاری در فهمیدن و کیفیتی در مشی به سمت حقیقت است. آن کیفیت را باید بلد بود. اگر کسی راه را بلد نباشد، معلوم است که به حقیقت نمیرسد. کسی راه‌آموخته و بلدشده نمیشود، مگر با خواندن همین درسها. اینها را باید خواند، تا آن راه را یاد گرفت. آن متد را باید فراگرفت. بدون آن متد، نمیشود کاری کرد.» ۱۳۶۹/۱۱/۴

تحصیل برای تبلیغ

مراد از تبلیغ

«تبلیغ یعنی چه؟ تبلیغ یعنی رساندن؛ باید برسانید. به کجا؟ به گوش؟ نه؛ به دل. بعضی از تبلیغ‌های ما حتی به گوش هم درست نمیرسد! گوش هم حتی آن را تحمل و منتقل نمیکند! گوش که گرفت، میدهد به مغز؛ قضیه این جا نباید تمام بشود، بلکه باید بیاید در دل نفوذ و رسوخ کند و به هویت ما هویت مستمع - تبدیل شود. تبلیغ برای این است. ما تبلیغ نمیکنیم فقط برای این که چیزی گفته باشیم؛ ما تبلیغ میکنیم برای این که آنچه را که موضوع تبلیغ است، در دل مخاطب وارد شود و نفوذ کند. آن چیست؟ ... ما میخواهیم منطق دین، ارزش‌های دینی، اخلاق دینی و همه‌ی چیزهایی را که در بنای یک شخصیت انسانی بر مبنای دین تأثیر دارد، تبلیغ کنیم؛ برای این که مخاطب ما به همین شخصیت دینی تبدیل شود... آیات قرآن را ملاحظه کنید! «انسان‌سازی» هدف این تبلیغ است و این، یکی از بزرگترین کارهاست.» ۱۳۸۴/۱۱/۵

اهمیت تبلیغ

«تبلیغ» وظیفه اصلی روحانیون و علمای دین است. درس خواندن ما، فکر کردن ما، تحقیق کردن ما، یافتن نگینها و دُرهای ناب معارف اسلامی از گنجینه متون الهی، همه این کارهای ارزنده‌ای که وظیفه یکایک ماست، مقدمه تبلیغ دین خدا و تبلیغ حق است... تبلیغ، یعنی رساندن. اگر ما بتوانیم پیام خدا را به دلها منعکس کنیم و آن نور درخشنده را به جانهای پاک بتابانیم، وظیفه بزرگ خودمان را انجام داده‌ایم. این همان وظیفه پیامبران است. حتی تشکیل حکومت اسلامی، جهاد فی سبیل الله، مبارزات بزرگی که علمای دین و اولیای دین و انبیای الهی انجام داده‌اند، به نحوی مقدمه برای این هدف است که حقایق الهی به دلهای پاک برسد.» ۱۳۷۷/۹/۲۳

انواع مبلغین

«یک نوع هم مبلغین هستند، که مبلغ، غیر از فقط منبری است. منبری یک نوع مبلغ است. مبلغ یعنی گوینده، نویسنده و هنرمند... بنابراین، گروه سوم، مبلغینند که شامل گوینده است به انواع آن: گوینده در محافل عمومی، گوینده در مجامع خارجی و آشنا به زبانهای گوناگون، گوینده در کشورهای گوناگون با بیگانه‌ها، با خودیها، نویسنده‌ی کتاب، نویسنده‌ی جزوه، نویسنده‌ی کتابهای هنری.» ۱۳۷۲/۶/۲۱

نتیجه

هدف از ارسال رسل و انزال کتب، رسیدن به عبودیت و لقاء الله در جامعه است. حوزه علمیه به عنوان جانشین انبیا علیهم السلام، علاوه بر وظیفه ارائه دین، وظیفه دارد برای اقامه دین و تحقق تمدن اسلامی، برنامه‌ریزی و تلاش کند. عناصر لازم برای تحقق این هدف والا، تربیت انسان و تولید علم است. نقش یگانه حوزه علمیه در این امر، پوشیده نیست. حوزه، باید عالمانی را پرورش دهد که بتوانند دو عنصر مذکور را تأمین کنند. به همین منظور، حوزه علمیه نیازمند یک نظام تعلیم و تربیت است که بتواند با توجه به نیاز جامعه، در کمترین زمان ممکن، فرآورده‌های زیادی را با بهترین کیفیت، تولید کند. بنابراین نظام تحصیلی در حوزه، بایستی در دو مسیر تعریف شود؛ مسیر تحصیل برای اجتهاد و مسیر تحصیل برای تبلیغ. برخی با توجه به استعداد خود و نیاز جامعه، مسیر اول را برمی‌گزینند و عده‌ای نیز مسیر دوم را.

کیفیت تحصیل در هر یک از دو مسیر فوق، در نوشتارهای بعدی منتشر می‌شود.